

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۷ اپریل ۲۰۲۲

حکومت اسلامی ایران، تمام عیار یک حکومت فاشیست و نژادپرست است!

در روزهای اخیر ویدیوهایی در گروه‌های واتساپ و تلگرام دست‌به‌دست می‌شود که نشان می‌دهد مهاجران افغان در ایران از سوی عده‌ای مورد آزار و اذیت فیزیکی و کلامی قرار می‌گیرند.

در همین حال ویدیوهای مخاطبان افغان که در ایران به‌سر می‌برند، نسبت به شرایط خود ابراز نگرانی کرده‌اند. نشر این ویدیوها در شبکه‌های اجتماعی واکنش‌های زیادی در میان کاربران افغان و ایرانی برانگیخته است.

فرهاد دریا، خواننده معروف افغان در پستی گلایه‌آمیز با عنوان «نامه اعتراضی به ملت بزرگ ایران» در صفحه رسمی فیسبوک خود، به موضوع «بدرفتاری» با مهاجران افغان در ایران پرداخته است.

ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور حکومت اسلامی ایران معروف به آیت‌الله «قاتل» نیز در سفر استانی به خراسان رضوی چند روز پیش به موضوع مهاجرین افغان اشاره کرد و گفت که اداره اتباع خارجی برای رسیدگی به آن‌ها کافی نیست و به «یک سازوکار جدید» نیاز است.

پس از حاکمیت جدید طالبان اسلامی بر افغانستان و تهاجم روسیه به اوکراین و هجوم موج جنگ‌زدگان اوکراینی، فشارها و سخت‌گیری بر پناهمجویان افغان در ایران، یونان، ترکیه و اروپای شرقی افزایش یافته است.

همچنین حکومت اسلامی ایران در ادامه سیاست‌های تبعیض‌آمیز و فاشیستی خود، در حال محدودتر کردن آزادی‌های اجتماعی در حوزه جنسیت است. جدیدترین تمهید مقام‌ها در این راستا، تفکیک فضای عمومی شهری پارک‌هاست؛ فضایی که بنا به تعریف باید برای «همگان» باشد.

حکومت اسلامی ایران با پناهندگان و مهاجرانی افغانستان برخورده‌ای به غایت فاشیستی و غیرانسانی دارد. در حالی که افغان‌ها سخت‌ترین شغل‌ها را در ایران بر عهده دارند و از بسیاری از حقوق اولیه محرومند، بسیاری از آنان در خیابان‌ها سرگردانند و در ترس دائمی زندگی می‌کنند. این‌ها بخشی از طبقه کارگران ایران محسوب می‌شوند و جا دارد که این طبقه اجازه ندهد به هم طبقه‌ای‌های آن‌ها این چنین برخوردهای ظالمانه و وحشیانه شود.

تعداد پناهندگان افغانستان در ایران به موضوعی مهمی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده و خبر کشته شدن سه طلبه در حرم امام هشتم شیعیان، بهانه‌ای به حکومت نژادپرستان ایران در داخل و خارج داد تا خواهان اخراج افغان‌ها از ایران شوند. روشن است که جنبش‌های اجتماعی حق‌طلبانه و همه مردم آزاده ایران نباید در برابر این اقدامات فاشیستی بر علیه افغان‌ها سکوت کنند.



پس از حمله به سه طلبه در صحن حرم امام هشتم شیعیان واکتف‌های تند خصوصا از سوی کاربران ولایی نسبت به افغان‌ها بالا گرفت. محمود احمدی بیغش، نماینده شازند و عضو کمیسیون امنیت ملی در توئیتر نوشت: «حمله گستاخانه تبعه افغانی به سه روحانی در صحن حرم مطهر امام رضا(ع) نشان از اتفاقات ناخوشایند توسط مهاجرین بی‌هویت افغانی برای کشور در آینده دارد. حمایت از طالبان منفور لکه ننگی برای ماست. تا دیر نشده باید همه این‌ها را بدون هیچ دفع الوقتی از کشور اخراج کرد. فقط استان تهران توسط یک میلیون و ششصد هزار افغانی محاصره شده است.» او استاد دانشگاه امام حسین و عضو سپاه است.

احمد وحیدی، وزیر کشور و فرمانده سابق سپاه روز ۱۸ فروردین ۱۴۰۱، حمله به طلبه‌ها را تلاش «تروریسم تکفیری و دشمن» برای تخریب روابط ایران با کشورهای همسایه دانست. او با اشاره به حضور نیروهای افغان در جنگ سوریه گفت: «بهترین جوانان افغانستان در مقابله با جریان تکفیری، جان خود را از دست داده اند.»

روزنامه جمهوری اسلامی با اشاره به رویداد اخیر نوشته: «مسئولان نظام چه وقت می‌خواهند این وضعیت خطرناک را کنترل کنند به‌ویژه آن‌که در میان مهاجران، افراد وابسته به گروه تروریستی طالبان فراوانند.»

براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ یک میلیون و ۵۸۳ هزار و ۹۷۹ افراد با تابعیت افغانستان در ایران حضور داشتند که تهران حدود یک سوم این افراد را در خود جای داده بود. اما آمار دقیقی پس از سال ۹۵ در مورد تعداد پناهندگان افغان در ایران وجود ندارد، مسئولان دولتی آمار ضد و نقیض ارائه می‌دهند و با وجود حمایت از افغان‌های مهاجر برخی از تحلیل‌گران و کاربران شبکه‌های اجتماعی معتقدند که این موج افغان‌ستیزی از سوی حاکمیت ایجاد شده است.

آمارهایی که مسئولان مختلف در حکومت اسلامی درباره تعداد مهاجران افغان در ایران اعلام می‌کنند، با یکدیگر همخوانی ندارد. جواد هدایتی، مدیرکل دفتر ترانزیت و حمل و نقل بین‌المللی سازمان راهداری روز ۱۵ فروردین ۱۴۰۱ گفت: «پس از روی کار آمدن طالبان ورود افغان‌ها به کشورمان از مرزهای رسمی به روزانه حدود ۵۰۰۰ نفر رسیده در حالی این رقم قبل از تحولات افغانستان چیزی بین ۷۰۰ و ۸۰۰ نفر در روز بود.» او افزود که آماری از جمعیتی که از مرزهای غیر رسمی وارد کشور می‌شوند، در دست نیست.

از سوی دیگر مجید میراحمدی، معاون امنیتی وزیر کشور روز ۱۳ فروردین ۱۴۰۱، با بیان این‌که هجوم گسترده آوارگان افغان به مرزهای ایران کذب است، گفت: «فیلم منتشر شده در فضای مجازی مبنی بر هجوم گسترده آوارگان افغان به سمت مرزهای ایران مربوط به هفتم شهریور ماه سال گذشته و در پاکستان تهیه شده است.» او همزمانی انتشار این فیلم را با بازنشر مصاحبه معاون وقت دادستان استان کرمان در فضای مجازی، مبنی بر کشف سلاح‌های نیمه‌سنگین و گلوله‌های ضد هوایی، را یک جریان‌سازی برای القای ناامنی در مرزها و ایجاد ذهنیت منفی نسبت به اتباع

قانونی افغانستان مقیم در داخل ایران دانست و افزود که این مصاحبه مربوط به سال ۱۳۹۷ بوده، و سلاح‌هایی که از آن سخن گفته می‌شود متعلق به باند قاچاقچیان مواد مخدر و اشرار بوده است.

میراحمدی اضافه کرد: «در تابستان سال گذشته با توجه به تغییرات حکومت و نگرانی‌های ایجاد شده برای بخشی از مردم افغانستان، جمعیت قابل توجهی به سمت مرزهای ایران به راه افتادند اما روزانه حدود ۵ هزار نفر متوقف و به افغانستان هدایت شدند.» او گفت: «هم‌اکنون هم روزانه بالغ بر یک‌هزار نفر به مرزها می‌آیند اما از ورود غیر قانونی این اتباع، جلوگیری می‌شود.»

در این میان روزنامه جمهوری اسلامی هم در گزارشی بدون ارائه منابع و آمار معتبر نوشت: «طبق آمارهای میدانی، جمعیت افغان‌ها در ایران اکنون به ۸ میلیون نفر رسیده و هر روز حدود ۱۰ هزار نفر به صورت غیرقانونی و قانونی وارد مرزهای ایران می‌شوند.»

ابراهیم رئیسی روز ۱۲ فروردین در سفر به خراسان آمار دیگری ارائه کرد، او با بیان این‌که امروز بیش از چهار میلیون افغان میهمان جمهوری اسلامی هستند، گفت که برخلاف اروپایی‌ها که مسئله افغانستان را فقط برای خواسته‌های سیاسی دنبال می‌کنند، جمهوری اسلامی نسبت به افغان‌ها احساس مسئولیت می‌کند. در حالی که پناهندگان افغان در بدترین شرایط در ایران زندگی می‌کنند، رئیسی مدعی شد: «تحصیل، نحوه زندگی و اشتغال این عزیزان برای ما مهم است.»

اما هم‌زمان حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه ریسی هم آمار متفاوتی ارائه داد، او در سخنانی در نشست همسایگان افغانستان، گفت: «جمهوری اسلامی نگران وضعیت گسترش آوارگان افغان است. در هفت ماه گذشته یک میلیون زن، کودک و مرد افغان وارد ایران شدند و اکنون رقم آوارگان افغان که مهمان ما در ایران هستند، به حدود پنج میلیون نفر افزایش یافته است.»

فیلیپو گراندی، کمیسر عالی سازمان ملل در امور پناجویان، اوایل ماه دی ۱۴۰۰ در سفری به ایران اعلام کرده بود که بر اساس برآوردهای اولیه حکومت ایران در سال ۲۰۲۱ حدود ۵۰۰ هزار شهروند افغانستان وارد کشور شده‌اند. در مقابل یک مقام سازمان ملل چند ماه پیش تعداد افغان‌های اخراج‌شده از ایران در ماه‌های گذشته را ۳۶۰ هزار نفر اعلام کرده بود.

پیش‌تر، روزنامه وال استریت ژورنال در گزارش مستندی در ۱۱ دسامبر گفته است که ایران پناجویان گریخته از طالبان را مجبور به بازگشت به افغانستان می‌کند. به گزارش این نشریه بین «۲۵۰۰ تا ۴۰۰۰ افغان هر روز توسط مسئولان ایرانی اخراج می‌شوند و به شهر مرزی زرنج» در ولایت نیمروز می‌روند.

وزارت امور مهاجرین افغانستان نیز روز ۱۴ فروردین ۱۴۰۱ اعلام کرد که حدود ۶ هزار و ۵۸۱ مهاجر افغان از مرز ولایت نیمروز وارد خاک افغانستان شدند که در این میان تنها ۱۵۰۰ تن آنان به صورت داوطلبانه و الباقی که شامل ۱۷۰ خانواده و ۴۳۰۰ فرد مجرد بودند، اجباری از سوی حکومت ایران اخراج شده‌اند.

بیل فرلیک، از مدیران دیده‌بان حقوق بشر گفته است: در حالی که یونان از اوکراینی‌ها به‌عنوان «پناهندگان واقعی» استقبال می‌کند، افغان‌هایی را که از خشونت‌های مشابه فرار می‌کنند، به صورت ظالمانه‌ای، به عقب می‌رانند.

به گفته فرلیک، «این استاندارد دوگانه رفتاری است که ارزش‌های ادعایی اروپایی در مورد برابری، حاکمیت قانون و کرامت را به سخره می‌گیرد.»

دیده‌بان حقوق بشر در گزارش تازه خود گفته است که «پلیس یونان پناجویان را در مرز زمینی یونان و ترکیه در رودخانه اوروس بازداشت کرده و در بسیاری از موارد لباس‌هایشان را از تن‌شان درآورده و پول، تلفن و سایر

دارایی‌هایشان را دزدیده است. سپس مهاجران را به مردان نقابدار می‌سپارند که آن‌ها را مجبور به سوار شدن به قایق‌های کوچک می‌کنند، به وسط رودخانه اوروکس می‌برند، به داخل آب سرد کشانده و وادار می‌کنند به سمت ترکیه حرکت کنند.»

در پی تصرف مجدد قدرت توسط طالبان در افغانستان اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این کشور بحرانی‌تر شده و مهاجرت‌های توده روزافزون است. در حال حاضر ۲۴ میلیون نفر از جمعیت این کشور به حمایت بشردوستانه نیاز دارند.

همچنین تهاجم روسیه به اوکراین و مهاجرت‌های توده‌ای از این کشور، توجه جهانی را به خود جلب کرده است. بسیاری از پناجویان و مهاجران در کشورهای اروپایی از برخورد دوگانه دولت‌های میزبان با مهاجران غیراروپایی ناراضی‌اند و نگران هستند که کاملاً به فراموشی سپرده شوند.

به‌گفته سازمان ملل متحد، سازمان‌های امداد رسانی بین‌المللی برای برنامه واکنش سریع بشردوستانه برای رفع نیازهای حیاتی افغان‌ها، جلوگیری از گسترش گرسنگی، بیماری، مرگ احتمالی و آوارگی بیش‌تر مردم به حدود چهار و نیم میلیارد دلار نیاز دارند. قرار است کشورهای مختلف اهدا کننده پول به این سازمان‌ها، به زودی در مورد منازعه در اوکراین و بحران بشری در افغانستان و به منظور رسیدگی به آوارگان این کشورها، نشست داشته باشند.

به گفته رییس کمیسیون عالی سازمان ملل متحد، وی در ملاقاتش با سران طالبان به عنوان حاکمان فعلی افغانستان به آنان تاکید کرده که «حفاظت از حقوق و رفاه افغان‌ها مستلزم ثبات سیاسی و اقتصادی طولانی مدت است.» او افزود: «این همچنین مستلزم آن است که مقامات فعلی نسبت به کسانی که آواره شده‌اند، اعتماد ایجاد کنند. من در ملاقات‌هایم به آن‌ها گفتم که بهترین راه برای انجام این کار این است که اطمینان حاصل شود که همه افغان‌ها، اعم از اقلیت‌ها، مردان، زنان، دختران و پسران می‌توانند از حقوق خود بهره‌مند شده و به صورت یکسان به کار و خدمات دسترسی داشته باشند.»

کمیسیون عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در پی سفرش به افغانستان و تاجیکستان نسبت به فراموش شدن مهاجران افغان به دلیل موج مهاجرت از اوکراین ابراز نگرانی کرده و خواهان توجه جامعه جهانی به اوضاع بشری افغانستان شد.

تنها شش میلیون افغان در کشورهای همسایه، عمدتاً در ایران و پاکستان مهاجر هستند و همه روزه اخراج اجباری، عودت داوطلبانه و مهاجرت‌های مجدد ادامه دارد. رییس کمیسیون عالی سازمان ملل در امور پناهندگان گفت که برای رسیدگی به وضع مهاجران افغان در کشورهای همسایه به ۶۲۳ میلیون دلار نیاز است.

بر اساس آمار نهادهای حمایت از پناجویان در حال حاضر هزاران پناجوی افغان که از مسیر ترکیه وارد یونان شده‌اند در نقاط مختلف این کشور در بی‌سرنوشتی به سر می‌برند.

وزارت کشور ترکیه در اوایل فوریه تصاویری از اجساد ۱۲ پناجویی که از یونان به ترکیه پس فرستاده شده بودند را در مناطق مرزی این کشور پیدا کرد. به گفته سلیمان سویلو، وزیر کشور ترکیه «۱۲ نفر از ۲۲ پناجو که توسط واحدهای مرزی یونان رانده شده بودند، لباس‌ها و کفش‌های آن‌ها را گرفته بودند، یخ زدند و جان باختند.»

پناجویان افغان در یونان می‌گویند علاوه بر سیاست‌های خصمانه رسمی، با گروه‌های تندروی ملی‌گرا مواجهند که هر از گاهی آن‌ها را مورد حمله قرار می‌دهند.

کمیسیون عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان و سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر بارها نسبت به وضعیت بد پناجویان و سرنوشت نامشخص آن‌ها از دولت یونان انتقاد کرده‌اند.

پس از روی کار آمدن طالبان در افغانستان، موج پناجویان افغان به کشورهای همسایه و به خصوص به سوی پاکستان، ایران و ترکیه افزایش یافته است. مقصد نهایی بیش‌تر این پناجویان کشورهای اروپایی است.

یک پناجوی افغان که در ماه‌های اخیر از طریق ایران به ترکیه سفر کرده است به رسانه‌ها گفته است: «هجده ساعت در میان دشت‌ها و کوه‌ها پیاده‌روی کردیم. وقتی وارد خاک ترکیه می‌شدیم، تقریباً ۲۶۰ نفر بودیم ولی فقط ۴۰ نفر موفق شدند، وارد خاک ترکیه شوند دیگران همه به دست نیروهای مرزی ترکیه بازداشت و دوباره به ایران بازگردانده شدند.»

به گفته این پناجو، «نیروهای مرزی ایران معمولاً حاضر به پذیرفتن دوباره این افراد نیستند و نیروهای مرزی ترکیه نیز آن‌ها را قبول ندارند.»

دسته‌های بزرگ پناجویان که از سوی ایران و ترکیه بازگردانده شده‌اند، روزها در مناطق وسیعی میان دو کشور سرگردان می‌مانند. در مواردی آن‌ها به دام دزدان و گروه‌های آدم‌ربا می‌افتند و این گروه‌ها در بدل رهایی آن‌ها از خانواده‌هایشان پول هنگفت می‌خواهند.

سازمان‌های دفاع از حقوق مهاجران در ترکیه می‌گویند بیش از نود درصد درخواست‌های پناهندگی از سوی اداره مهاجرت ترکیه رد شده است. افرادی که درخواست‌شان از سوی اداره مهاجرت ترکیه رد شده، کارت‌های مهاجرت آنان باطل می‌شود و حق دسترسی به خدمات دولتی و درمان و آموزش را ندارند. این افراد حتی در صورت داشتن بیماری‌های جدی نمی‌توانند از خدمات درمانی دولتی استفاده کنند.

پس از حکومت پهلوی‌ها در ایران، نه تنها سیاست‌های فاشیستی این حکومت‌ها از بین نرفت بلکه سیاست‌های فاشیستی تازه‌ای نیز توسط حکومت تازه به قدرت رسیده اسلامی به آن‌ها افزوده شد.

اعدام‌های دسته‌جمعی مخالفین، تشدید سنت‌های مردسالاری با قوانین مذهبی زن‌ستیز و از جمله آموزش مبتنی بر تک فرهنگی با مرکزیت زبان فارسی ادامه یافت.

بر این اساس تمام محتویات کتاب‌های درسی هم بر اساس فرهنگ و ارزش‌های مردانه شکل گرفت. با گذشت ۴۴ سال از انقلاب ۱۳۵۷، نه تنها اوضاع اقتصادی و سیاسی و امنیتی کشور بهتر نشده، به مراتب بدتر و وخیم‌تر هم شده است. از ویژگی‌هایی سران و مقامات حکومت اسلامی ایران در ۴۴ سال گذشته نفرت‌پراکنی و توهمی‌پراکنی و مملو از بربریت است. این وضعیت را در ادعاهای آن‌ها می‌توان مشاهده کرد:

«امروز در اوج قدرت منطقه و حتی جهان هستیم» (محمدعلی جعفری، تسنیم ۵ آذر ۱۴۰۰)

«خداوند با امداد الهی هر روز از اسلام‌گرایان پشتیبانی می‌کند حتی در حد پرداخت حقوق کارکنان دولت.» (کاظم صدیقی، امام‌جمعه تهران، ۳۲ آبان ۱۴۰۰)

ما نور عالمیم: «دنیای بدون جمهوری اسلامی دنیایی بسیار تاریک و ظلمات است.» (احمد وحیدی، وزیر کشور دولت رئیسی، ۲۳ آبان ۱۴۰۰)

مدیریت دنیا در دست رژیم اسلامی است: «این ایران است که آمریکا را مدیریت می‌کند.» (حسین سلامی فرمانده سپاه، ۲ آذر ۱۴۰۰)

همه شیفته روحانیت شیعه شده‌اند: «مباحث علمی ما در دنیا خریدار زیادی دارد.» (اعرافی عضو شورای نگهبان ایسنا، ۱۳ دی ۱۴۰۰)

رژیم اسلامی منشاء تحولات بزرگ بوده است و خواهد بود: «ما به‌زودی شاهد یک ابر تحول بزرگ دیگر در قرن ۱۵ هجری شمسی خواهیم بود.» (غلامرضا سلیمانی، رییس بسیج مستضعفین تابناک، ۱۱ آذر ۱۴۰۰)

همه باید حکمرانی را از اسلام‌گرایان شیعه بیاموزند: «داشته‌های ما بسیار بالاست و این داشته‌ها را می‌توان در اختیار دیگر کلان‌شهرها و حتی کشورهای دیگر نیز قرار داد.» (علیرضا شهردار تهران، تابناک ۴ دی ۱۴۰۰)

ما خیلی خوبیم: «جمهوری اسلامی ایران همیشه در مسائل منطقه نقش محوری، سازنده و اساسی داشته و طرف خوب تحولات منطقه ... بوده است.» (ایرنا ۲۱ دی ۱۴۰۰)

ما بهترینیم: «مستقل‌ترین کشور دنیا هستیم.» (ابراهیم رئیسی، ۲۲ بهمن ۱۴۰۰)؛ «امروز در دنیا پاک‌تر و مردمی‌تر از نظام جمهوری اسلامی نداریم.» (صدیقی امام‌جمعه تهران ۱۸ آذر ۱۴۰۰)

ما خیلی شجاعیم: «آمریکایی‌ها می‌گویند شیعیان ژنی دارند که باید آن را به سربازان خود تزریق کنیم تا شجاع شوند.» (سردار سپاه احمد ذوالقدر، ایرنا ۱۵ بهمن ۱۴۰۰)

ایران تنها دموکراسی دنیا است: «جز ایران هیچ رژیمی در جهان موجودیت خود را با رای مردم به دست نیاورده است.» (حسن رحیم‌پور از غدی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، اعتماد آنلاین ۱۲ بهمن ۱۴۰۰)

جمهوری اسلامی شایسته رهبری جهان است: «ایران در موقعیتی است که می‌تواند رهبری جامعه جهانی را بر عهده بگیرد.» (کاظم صدیقی، خطیب نماز جمعه تهران، تابناک ۱۵ بهمن ۱۴۰۰)

تهران امن‌ترین پایتخت دنیا است: «ما امن‌ترین پایتخت را در منطقه و دنیا داریم.» (محسن منصوری استاندار تهران، دنیای اقتصاد، ۱۳ بهمن ۱۴۰۰)

نقل‌قول‌های بالا تنها نمونه‌هایی از این نوع یاهوگویی‌های سران و مقامات سیاسی و نظامی حکومت اسلامی ایران است و همه به نیمه دوم سال ۱۴۰۰ مربوط می‌شوند.

اما در راس همه این‌ها، رهبر سخنان نژادپرستانه و فاشیستی زیادی زده است.

علی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی، به حدی به غرب و تمدن غربی و کشورهای غربی دشنام داده و آن‌قدر با این کشورها خصومت ورزیده که دشمنی کینه‌توزانه او با مردم اروپا و آمریکا یک واقعیت جا افتاده در حاکمیت و بخشی از جامعه است. اکثر سخنرانی‌ها و بیانیه‌های خامنه‌ای تاکیدهای مکرر به این تنفر و دشمنی با غرب است. تنفر خامنه‌ای از غرب خسارات بزرگی را نیز برای رشد و توسعه کشور به بار آورده است.

در واقع خامنه‌ای مبلغ و مروج اصلی نژاد پرستی در جامعه ایران است: «غربی‌ها، یعنی به‌خصوص نژادهای اروپایی، نژادهای وحشی‌اند؛ این‌ها ظاهرشان اتو کشیده و کراوات زده و ادکلن زده و اینها بطن و وحشی‌گری‌ای که در تاریخ وجود داشته هنوز هم در این‌ها هست؛ راحت آدم می‌کشند؛ خون‌سرد جنایت می‌کنند؛ بنابراین کتف‌زدن زن در داخل خانه به وسیله آن‌ها و بعد به وسیله آمریکایی‌ها، بُعدی ندارد.» (سایت رسمی آیت‌الله خامنه‌ای، سخنرانی با زنان، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۲)

وحشی معرفی کردن مردم غرب نمونه آشکار نژاد پرستی است. نژاد پرستی در میان افراد عادی و بدون قدرت حداکثر به دشنام‌گویی یا ضرب و شتم و قتل یک نفر منتهی می‌شود اما اگر قدرتمندان و حاکمان به این مسئله مرتکب شوند نهایتاً به جنگ و لشکرکشی و خونریزی و به کشتار جمعی منتهی می‌شود. کسی که چنین نگاهی به مردم غرب جهان دارد به راحتی می‌تواند اگر قدرت و جرات داشته باشد موشک‌های خود را بر سر این مردم می‌ریزد.

علی خامنه‌ای پس از انفجارهای بوستون فرصت را مغتنم شمرده و به جای تسلیت به مردم داغ‌دیده و همدردی با مجروحان به مردم کشورهای غربی یادآور شد که تمدن‌شان در حال نابودی است: «امروز، تمدن غرب بواسطه تناقض‌ها، بی‌منطقی‌ها، زورگویی‌ها و بی‌اعتنایی به اصول انسانی در معرض سقوط و سرنگونی قرار گرفته است.» (سایت تابناک ۲۸ فروردین ۱۳۹۲)

او پس از بحران مالی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ و جنبش «اشغال وال استریت» از فروپاشی تمدن غربی سخن گفت: «این مسئله آمریکا مسئله مهمی است. این چیزی که به عنوان جنبش وال استریت مردم آمریکا را به هیجان آورده این چیز مهمی است سعی کردند این را کوچک نشان بدهند الان هم سعی می‌کنند کوچک نشان بدهند... یک مسئله این است که رژیم سرمایه داری فسادش برای آن مردم محسوس و عینی شده است ممکن است این حرکت را سرکوب کنند ولی نمی‌توانند ریشه‌های این حرکت را از بین ببرند بالاخره یک روزی آن چنان خواهد بالید این حرکت که نظام سرمایه داری آمریکا و غرب را به کلی به زمین خواهد زد.» (سایت رسمی آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۰ مهر ۱۳۹۰)

بر اساس این توهمات جامعه المصطفی ۵۰ هزار طلبه خارجی دارد که به‌طور رایگان تعلیم می‌بینند تا در برگشت به کشورهایشان مردم را شیعه کنند. حکومت اسلامی ایران میلیاردها دلار سرمایه جامعه ایران را در جنگ سوریه و یمن و لبنان و عراق و افغانستان و خرج می‌کند تا شیعه‌گری ۱۲ امامی را گسترش دهد.

نزدیک به یک دهه است احمد علم‌الهدی دیگر تنها امام‌جمعه مشهد نیست بلکه حاکم و همه کاره این منطقه است. علم‌الهدی از موسسان و عضو هیات امنای دانشگاه امام صادق است. فردی بسیار نزدیک به تفکرات حلقه مصباح یزدی که در سال ۱۳۸۴ و پس از فوت سیدمهدی عبادی، امام‌جمعه وقت مشهد، بر مسند امامت جمعه این شهر نشست. شهری که به‌دلیل وجود حرم «امام رضا» برای حکومت ایران اسلامی هم اهمیتی نمادین دارد و هم پول‌ساز است. نظر و زبان علم‌الهدی جنجالی و نفرت‌آمیز و توهین‌آمیز است، نظرهایی مانند مرتد، بزغاله و گوساله خواندن معترضان انتخابات ۱۳۸۸، تاکید بر فسادزا بودن کلاس‌های مختلط دانشگاه، حرام خواندن دوچرخه‌سواری زنان، حمله به زبان انگلیسی و زبان چهل و مکر خواندن آن و جمله عجیب خطاب به کسانی که معترض به لغو کنسرت‌های موسیقی به دستور او در مشهد بودند.

علم‌الهدی اما در پاسخ به اعتراض‌ها صراحتاً پاسخ داد: «از آن جایی که رهبری امام است، ائمه جمعه هر شهر امامزاده زنده آن شهر است و بقعه و بارگاه هم همان دستگاه نماز جمعه است، بنابراین شما باید از امام‌جمعه شهرتان محافظت کنید. مردم نباید بی‌در و دروازه امام‌جمعه را نقد کنند و این کار اشکال شرعی دارد.»

حالا دیگر کار به جایی رسیده است که هیچ‌کس حتی امکان گرفتن تایید صلاحیت برای شرکت در رقابت‌های سیاسی را بدون رخصت نماینده ولی‌فقیه در استان خراسان رضوی پیدا نمی‌کند و کسی بر صندلی مدیریت نمی‌نشیند مگر اینکه نشان تبعیت از احمد علم‌الهدی را همراه داشته باشد.

با جانشینی ابراهیم رئیسی به‌جای واعظ طبسی، دایره اختیارات علم‌الهدی نیز وسیع‌تر شد. لغو اکران برخی فیلم‌ها و دستور لغو کنسرت‌های مجوز گرفته از وزارت ارشاد تنها گوشه‌ای از اقدام‌های او بود.

او حتی خواستار گرفتن مسئولیت شورای فرهنگی استان از استاندار شده بود که طبق قانون هیچ ارتباطی به حوزه فعالیت امامان جماعت ندارد.

پس از شکست ابراهیم رئیسی در انتخابات ۱۳۹۶، این علم‌الهدی بود که بر تنور مخالفت با دولت روحانی دمید، تا جایی که در وقایع دی‌ماه ۱۳۹۶ که از اعتراض‌های مشهد آغاز شد، حسن روحانی و مدیران دولت به‌صراحت آغاز کنندگان اعتراضات به وضع اقتصادی را حلقه یاران علم‌الهدی خواندند و معتقد بودند این گروه بنا داشت از وقایع دی‌ماه ۹۶ برای سقوط دولت استفاده کند.

گسترده شدن وقایع ۱۳۹۶ و خارج شدن کنترل آن و بدل شدنش به یکی از بزرگترین اعتراض‌های مردمی علیه حکومت تا حد زیادی موجب عقب‌نشینی علم‌الهدی شد.

حتی اصول‌گرایان نیز معتقد بودند عملکرد او در مشهد هزینه‌های فراوانی برای نظام تولید می‌کند. به‌طور نمونه او در زمان دستگیری چند ساعته سفیر انگلیس در تجمع‌های آبان ۹۸ تهران در اظهاراتی آتشین گفته بود: «باید سفیر انگلیس را تکه‌تکه کنند.»

با رییس جمهور شدن ابراهیم رئیسی در سال ۱۴۰۰، حالا علم‌الهدی خود را نه‌تنها نماینده ولی‌فقیه در خراسان که در جایگاهی فراتر می‌بیند.

برای علم‌الهدی ابراهیم رئیسی شانس اول رهبری آینده حکومت است و شاید به‌همین خاطر طی یک سال گذشته نه تنها اظهارات او تندتر شده است بلکه حلقه یارانش برای او جایگاهی نزدیک به مرجعیت قائل‌اند.

حکومت اسلامی در یک اقدامی فاشیستی پارک‌ها را زنانه و مردانه اعلام کرد. روز شنبه ۲۰ فروردین ماه ۱۴۰۱، عضو شورای شهر تهران درباره شایعه زنانه - مردانه شدن پارک‌های پایتخت توضیح داد و گفت: بیش‌تر پارک‌های ما باید خانوادگی شوند، زیرا خانه‌ها کوچک و آپارتمانی است و مادران نمی‌توانند با کودکان‌شان بازی کنند. اما وقتی پارک‌های مخصوص زنان داشته باشیم، مادران، کودکان و زنان خیلی راحت می‌توانند در این پارک‌ها حضور داشته باشند.

سیدمحمد آقامیری، عضو شورای شهر تهران در واکنش به انتشار بنری از سر در یک پارک در منطقه ۱۴ شهرداری تهران و انتشار برخی اخبار مبنی بر زنانه و مردانه شدن پارک‌های تهران به سایت دیدهبان ایران گفت: عکسی که در فضای مجازی منتشر شده در خصوص طرحی است که شهرداری تهران در این طرح قصد دارد برخی پارک‌های تهران را در اختیار مادر و کودک قرار بدهد و به نوعی این پارک‌ها را به پارک‌های خانواده تبدیل کند. اجرای این طرح به این دلیل است که یک مادر به دور از چشم نامحرم به راحتی بتواند با فرزندش بازی کند.

او اضافه کرد: بالای ۲۰۰ پارک مختص بانوان و مادر و کودکان خواهد شد. اگر برخی پارک‌ها مخصوص بانوان باشند دیگر زنان ما می‌توانند در این پارک‌ها به‌راحتی ورزش، مطالعه و یا با فرزندانشان تفریح کنند. آقامیری با تاکید بر تقاضای مردم مبنی بر زنانه مردانه شدن پارک‌های تهران به دیده بان ایران گفت: دلیل اجرای چنین طرحی، تقاضای زیاد مردم شهر تهران بوده و ما فقط خواسته مردم را اجرا کردیم. در پارک‌ها مردان غریبه و جوانان نامحرم حضور دارند و این به صلاح بانوان نیست.

او با تاکید بر خانوادگی شدن پارک‌های تهران گفت: بیش‌تر پارک‌های ما باید خانوادگی شوند، زیرا خانه‌ها کوچک و آپارتمانی است و مادران نمی‌توانند با کودکان‌شان بازی کنند. اما وقتی پارک‌های مخصوص زنان داشته باشیم، مادران، کودکان و زنان خیلی راحت می‌توانند در این پارک‌ها حضور داشته باشند.

آقامیری با اشاره به این نکته که یک‌سری از پارک‌ها برای همیشه پارک بانوان و مادر و کودکی می‌شود ادعا کرد: مردان که در طول روز سرکار هستند، مادرانی که بیشتر وقت آزاد دارند می‌توانند به این پارک‌ها رفته و با کودکان خود وقت بگذرانند و روحیه خانواده‌ها شاد و سلامت شود. عضو شورای شهر تهران ضمن تایید اجرایی شدن این طرح گفت: این طرح به مرحله اجرا رسیده و در حال حاضر در بیشتر پارک‌ها اجرا شده و تا روزهای آینده در سایر پارک‌ها هم اجرا خواهد شد. ما برای امنیت بانوان پارک‌ها را زنانه - مردانه کردیم.

بیش‌تر نیز گزارش‌هایی درباره تفکیک جنسیتی در شماری از پارک‌های تهران و برخی دیگر از شهرهای ایران از جمله ۲۱ پارک در تهران، چندین پارک در مشهد و همچنین ۸ پارک در کرمانشاه منتشر شده بود.

هم‌زمان ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است که نشان می‌دهد طرح حصارکشی جنسیتی در یکی از پارک‌های شهر بجنورد نیز به اجرا گذاشته شده است. حصارکشی جنسیتی در پارک‌های ایران در حالی است که اخیر،

وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان در افغانستان نیز ورود همزمان زنان و مردان را به پارک‌های تفریحی ممنوع اعلام کرد و برای تفریح مردان و زنان زمان‌بندی کرد. طبق زمانبندی طالبان، مردان ۴ روز در هفته و زنان نیز ۳ روز در هفته حق تفریح و رفتن به پارک‌ها را دارند و زنان در پارک‌های تفریحی باید «حجاب شرعی» را رعایت کنند.

خشونت‌های خانوادگی، آزارهای جنسی، قتل‌های ناموسی، کودک همسری و چند همسری، صیغه و ازدواج‌های موقت، جداسازی جنسیتی، زنانه و مردانه کردن رشته‌های تحصیلی، ایجاد موانع در ورزش و دیگر فعالیت‌های اجتماعی، محرومیت مادران از حق سرپرستی فرزندان، فقدان شغل متناسب با توان زنان و دختران و نبود بستر و فضای آرام و امن در محیط کاری، و ده‌ها مورد دیگر، هر روزه در حال گسترش است.

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های حکومت زن‌ستیز و جنایت‌کار حکومت اسلامی، حذف زنان از امورات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، مهار جنبش زنان مساوت‌طلب ایران بوده است و اکنون می‌کوشد با شدت بخشیدن به سیاست‌های تبعیض‌آمیز و سرکوب، زنان را هرچه بیشتر منزوی و در چهار دیواری منزل زندانی کند.

در پایان می‌توانیم تاکید کنیم حکومتی که خرافات مذهبی را به جای علوم انسانی تا پوشاندن حجاب اجباری بر سر جهانگردان و دیپلمات‌های زن خارجی و غیر مسلمانان ایرانی؛ از ممنوعیت چکمه پوشیدن برای زنان تا جدایی‌سازی‌های جنسیتی؛ از بازداشت حیوانات خانگی و جریمه کردن افراد برای داشتن سگ تا بازجویی از استادان دانشگاه برای سفر به کنفرانس‌های علمی؛ از ممنوعیت داشتن تجهیزات دریافت از ماهواره تا ممنوعیت تماشای فوتبال در سینماها برای زنان و...

حکومتی که خرافات مذهبی را به جای علوم انسانی تا پوشاندن حجاب اجباری بر سر جهانگردان و دیپلمات‌های زن خارجی و غیر مسلمانان ایرانی؛ از ممنوعیت چکمه پوشیدن برای زنان تا جدایی‌سازی‌های جنسیتی؛ از بازداشت حیوانات خانگی و جریمه کردن افراد برای داشتن سگ تا بازجویی از استادان دانشگاه برای سفر به کنفرانس‌های علمی؛ از ممنوعیت داشتن تجهیزات دریافت از ماهواره تا ممنوعیت تماشای فوتبال در سینماها برای زنان و...

حکومتی که با پناهندگان و مهاجران افغان برخوردهای به غایت فاشیستی و نژادپرستانه دارد.

حکومتی که در مقام دوم کشورهایی است که در آن‌ها حکم اعدام اجرا می‌شود؛ در ورزشگاه و کوچه و خیابان و میدان انسان‌ها را اعدام می‌کند، به قطع دست و پا می‌پردازد؛ برای جرائم غیر خشونت‌آمیز افراد را شلاق می‌زند؛ هنرمندان و روزنامه‌نگاران و نویسندگان را شکنجه می‌کند، فعالان سیاسی را ترور می‌کند؛ پلیس آن با اتومبیل از روی تظاهرکنندگان خیابانی رد می‌شود؛ افراد معترض را از بالای پل به پایین پرتاب می‌کند، و ترور و آدم‌کشی بخشی از اعمال تبه‌کارانه آن است؛ آن‌وقت رهبر چنین حکومتی مردم کشورهای عربی را وحشی می‌نامد! حکومتی که در کلیت خود، شرم تاریخ و بشریت است!

بی‌تردید جنبش‌های اجتماعی ایران و همه مردم آزادی‌خواه و برابری‌طلب جامعه ما، نه تنها آگاهانه و داوطلبانه موظفند در برابر مجموعه سیاست‌های فاشیستی و غیرانسانی حکومت اسلامی سکوت نکنند، بلکه باید با تمام قدرت خواهان حمایت از پناهندگان افغان و سوریه و اوکراین و... در ایران و همه جهان شوند!

شنبه بیست و هفتم فرودین [حمل] ۱۴۰۱ - شانزدهم اپریل ۲۰۲۲